**صدارت طلب**

یکی از موضوعات مهم نحوی که در خلال کتب نحوی حوزه(و نه در مکانی مستقل) به آن پرداخته شده، ادات صدارت طلب است.

**تعریف صدارت طلب**

اینها اداتی(اسماء یا حروفی) هستند که:

1. ما قبل آنها نمی تواند عامل در ما بعد باشد و بالعکس.
2. خودشان(اگر اسم باشند) معمول ما بعد خود قرار می گیرند.
3. کل جمله حاوی صدارت طلب می تواند محلی از اعراب داشته باشد و معمول ماقبل باشد(مثلاً مقول قول باشد).

**فهرست ادات صدارت طلب**

آنچه تا کنون به دست آورده ام، با ذکر منبع، تقدیم به شما:

1. **ادات شرط: إن، أمّا، ...**

موسوعه، ص417

نکته: تمام ادات شرط صدارت دارند حتی «أمّا»

1. **ادات استفهام**

در میان آن ها «همزه» تمام التصدیر است، یعنی حتی حرف عطف هم بر آن مقدم نمی شود(أ وَ لمّا اصابتکم ...؛ أ فتؤمنونَ ببعض الکتاب؛ أ ثمَّ اذا ما وقعَ)

1. **حروف مصدریه: أن، أنَّ، ما، لَو، کَی**

سیوطی در بحث نواسخ(فعل ناقصه)

\*و في جميعِها توسّطَ الخبرِ اَجِزﹾ؛ و كلٌّ سَبقَهُ «دامَ» حَظَرَ

1. **تمام حروف ناسخ: مشبهة بالفعل، شبیه به لیس، لا نفی جنس.**

مغنی، آخرین بحث اذا(ناصبِ اذا چیست) اینگونه استدلال می کند که «اذا» متعلق به شرطش است نه جوابش چراکه گاه بر سر جواب شرطش «حرف ناسخ» می آید که صدارت دارد و مانع از عمل مابعد در ماقبل است.

نکته: **لعلَّ** صدارت دارد؛ ولی «عسی» صدارت ندارد

سیوطی، بحث نواسخ(کانَ و اخوات)

و مَنعُ سَبقِ خبرٍ «لَيسَ» اصطُفِىَ‏؛ و ذُو تَمامٍ ما بِرَفعٍ يَكتَفِي‏

و إن و لامُ ابتداءٍ أو قَسَمٍ‏ كذا و الاستفهام ذا له انحتم‏

1. **«اذا» فجائیه**

مغنی، آخرین بحث اذا(ناصبِ اذا چیست) اینگونه استدلال می کند که «اذا» متعلق به شرطش است نه جوابش چراکه گاه بر سر جواب شرطش «حرف ناسخ» می آید که صدارت دارد و مانع از عمل مابعد در ماقبل است.

1. **«ما، لا، اِن» نافیه** [ولی «لَم، لَمّا، لیسَ» صدارت ندارند]

سیوطی در بحث نواسخ ابتدا(فعل ناقصه)

\*كذاك سَبقُ خبرٍ «ما» النّافيةَ فَجِئ بِها مَتلُوَّةً لا تالِيَةً

في موهمٍ إلغاءَ ما تقدّما و التَزِمِ التّعليقَ قبلَ نفيِ ما

و إن و لامُ ابتداءٍ أو قَسَمٍ‏ كذا و الاستفهام ذا له انحتم‏

1. **لام ابتدا** ]ولی لام مزحلقه صدارت ندارد[

صبّان، ج1، ص416

مغنی، ج1، ص230

و إن و لامُ ابتداءٍ أو قَسَمٍ‏ كذا و الاستفهام ذا له انحتم‏

أو كان مسندا لذي لام ابتدا أو لازم الصّدر كمن لي منجدا

1. **لام قسم**: لام بر سر فعل مؤکد به نون تأکید

نحات می گویند که «لام» مفید «تأکید» بر سر فعل مؤکد به نون تأکید لام قسم است و فعلی که مدخولش است جواب قسم مقدّر است: لَتَأتینَّ مَنیَّتی: لام قسم+ قسم مقدر+ جواب قسم(تأتیَنَّ)

سیوطی هم در بحث «تعلیق فعل قلبی» همین را می گوید و «لام» قسم را صدارت طلب می داند:

... في موهمٍ إلغاءَ ما تقدّما؛ و التَزِمِ التّعليقَ قبلَ نفيِ ما

و إن و لا؛ لامُ ابتداءٍ أو قَسَمٍ‏ كذا؛ و الاستفهامُ ذا لَهُ انحَتَمَ‏

1. **«ما» تعجبیة**[ما افعلَ]

موسوعه، ص417

1. **«کَم» خبریه و استفهامیه**

موسوعه، ص417

1. **رُبَّ**

ابن هشام در آخرین بحث از فاء رابطه می گوید: ربَّ صدارت دارد.

نیز حدائق در بحث موارد «فاء رابطه» می گوید: اگر صدارت طلب بر سر جمله جواب بیاید فاء لازم است؛ بعد مثال از صدارت طلب می زند به «ما» نافیه و «ربَّ».

1. **ضمیر شأن**

موسوعه، ص417

1. **مضاف به صدارت طلب**[غلامَ مَن رأیتَ؟]

موسوعه، ص417

تعبیر دقیق تر این است که به جای مضاف به صدارت طلب بگوییم: خافضِ صدارت طلب، صدارت طلب عَرَضی است، مثل «عمَّ یتسائلون»؟ که در این مثال «ما» استفهامیه، صدارتش را به «عن» داده لذاست که معمول ماقبل واقع شده حال آنکه صدارت طلب می توانست معمول ما بعد باشد نه معمول ماقبل.

1. **ادات عرض و تحضیض**

حدائق، ص416

1. **موصولی که خبرش مقترن به فاء شبه رابطه باشد**

بدائه جدید، هامش 1 ص124

این مورد را جزء صدارت طلب های «عَرَضی» که صدارت بر آنها عارض شده می شمارد. ظاهراً هم مرادش «الذی یأتینی فله درهمٌ» است؛ از آنجا که در اینجا «الذی» موصول است ولی به جهت «فاء شبه رابطه» آمده لذا از ادات شبه شرط است و همانطور که ادات شرط، صدارت دارند این موصول هم صاحب صدارت می شود.